

نقد و بررسی، یا کشیدن خط و نشان

محمد احسان

یکشنبه دوازدهم آبان ۱۳۸۷

آقای تقی روزبه با نوشتن مقاله ای که تمام عصاره بحثش در تیتراژ آن خلاصه میشود، سعی کرده به طبقه کارگر هشدار دهد که "باردیگر تقسیم بندی خودخوانده به قلمروهای سیاه و سفید و "انقلابی" و "رفرمیسم"، مبنای صدور حکم تازه برای جدائی و انشعاب و بالمآل تکمیل فرایند امتیزه شدن- بجای فرایند گردآمدن و تقویت صفوف همبستگی طبقاتی- قرار می گیرد و باین ترتیب دست آوردهای اندک و ناپایدار سالیان اخیر فعالین کارگری یک به یک در معرض تاراج این بیماری مزمن و جان سخت قرار می گیرد." [۱] به زعم ایشان مقاله "شورای همکاری گامی بسوی جنبش کارگری یا لیبرالیسم"، خط و نشان کشیدن فرقه ای دیگر درون جنبش کارگری است و من با نوشتن این مقاله، درون جنبش کارگری تفرقه افکنی می کنم و بنظر ایشان "هیچ چیز مضحک تر از تهاجم فرقه گرائی تحت پوشش مقابله با فرقه گرائی نیست!" [۲] به همین دلیل نیز ایشان تصمیم گرفته اند طبقه کارگر را در مورد "فرقه گرائی" آگاه کنند چرا که "متأسفانه این بیماری از بیماری های ویژه چپ و فعالین کارگری است و هیچ جریانی هم از ابتلاء به آن مصون نمی باشد." [۳] البته نا گفته نماند، ایشان نسخه شفاء بخشی نیز برای مداوای این بیماری خطرناک و مسری تجویز می کند. "وراهی هم جز شناخت درون مایه اصلی آن و مبارزه هوشیارانه و دایمی علیه آن و در همه اشکالش و توسط همه فعالین نیست. بنابراین چاره ای جز شناخت و افشاء آن در پایه ترین و اساسی ترین وجوه هستی شناسانه اش نیست، تا نتواند این چنین آسان سمومات خویش را در جلوه های گوناگون و فریبنده وارد اندام پرولتاریا کند." [۴]

قبل از هر چیز باید یاد آور شوم، به هیچ وجه در صدد جواب دادن به ایشان نیستم و تنها برای روشن شدن دو نکته ، این چند سطر را می نویسم .

۱- کمیته پیگیری در بر گیرنده گرایشات مختلفی است و هر گرایش فکری به همان اندازه حق و حقوق و اظهار نظر و فعالیت دارد که دیگر گرایش ها دارند. کافی است با مراجعه به سایت و بولتن این کمیته با نظرات متفاوت اعضاء و نمایندگان آن آشنا شوید. در ضمن گواه دمکراسی حاکم بر کمیته پیگیری، مجامع عمومی و انتخاب شورای نمایندگان در هر ۴ ماه می باشد. یا بعبارت دیگر، خود، یک نمونه موفق از "اتحاد عمل" است.

۲- در پائین مقاله "شورای همکاری گامی بسوی جنبش کارگری یا لیبرالیسم"، نام من درج شده است نه نام کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری، در ضمن نه فرد من و نه فرد دیگری حق تصمیم گیری برای جمعی که عضوی از آن است را ندارد. و لازم به توضیح نیست که بگویم ، اعلام تصمیم و نظر هر جمعی معمولاً با نامی که آن جمع به آن نام فعالیت می کنند، منتشر میشود.

خلاصه کلام

معمولاً در مورد موضوعی می توان اظهار نظر کرد و در موردش نظر داد که به تمام زوایای آن موضوع اشراف داشت و به جزئیات آن آگاه بود. شما نه تنها در مورد مسائلی که در شورای همکاری میگذرد بی اطلاع هستید بلکه می

خواهید برای آنکه از قافله عقب نمانید و شما هم اظهارفضلی کرده باشید و نشان دهید که دایه ی مهربانتر از مادر هستید، دست به تردستی و شعبده بازی زده و می خواهید به دیگران القاء کنید مقاله "شورای همکاری گامی بسوی جنبش کارگری یا لیبرالیسم"، نظرات کمیته پیگیری است و نه نظرات یکی از اعضاء این کمیته و برای آنکه تردستی و شعبده بازیتان تکمیل شود می نویسد . "کمیته پیگیری اتحاد تشکل های آزاد کارگری در ایران"، ظاهراً در اعتراض به همکاری "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" با "کانون مدافعان حقوق کارگر" اتمام حجت کرده است که اگر به چنین سیاستی ادامه دهد از شورای همکاری ... جدا خواهد شد. در این مورد تنها به این اکتفا می کنم که بگویم، فکر نمی کنم مهارت هیچ تردستی به مهارت شما برسد و بتواند از لابلای سطور مقاله من، اتمام حجت با کمیته هماهنگی را در آورد. در اصل تمام تلاش شما از همة این تردستی ها، جا انداختن شعار "همه با هم" و "اتحاد و همبستگی طبقه کارگر" است که بعنوان سلاحی در دست امثال شما شده که هر نقدی و تلاشی را در جهت استقلال طبقاتی طبقه کارگر، زیر لوای "تفرقه افکنی" و "ایجاد تشتت" در جنبش کارگری، سرکوب کنید.

استاد اعظم! اگر همکاری با آقایانی چون فریبرز رئیس دانا و ...، که در تمام این سالها عملکردی مشخص داشته اند، برای شما بمثابة "حفظ همبستگی درونی کارگران" است. برای من و تمام کسانی که در این جامعه و این شرایط نفس می کشیم، عین تفرقه و تشتت میان طبقه کارگر است. همکاری با چنین افرادی، یعنی به فراموشی سپردن استقلال طبقاتی طبقه کارگر، یعنی تبلیغ و ترویج سازش طبقاتی میان کارگران!

در ابتدای مقاله "شورای همکاری گامی بسوی جنبش کارگری یا لیبرالیسم" نیز نوشته ام، ما راهی جز نقد و بررسی صادقانه هر گام کوچکی که برمی داریم، نداریم. سعی و تلاش من در نوشتن این مقاله، نقد و بررسی عدم موفقیت شورای همکاری در رسیدن به اهداف ابتدائی اش بوده، اهدافی که ضرورت ایجاد چنین تشکلی را پیش روی فعالین قرار داده است. شورائی که می باید در جهت اتحاد عمل و جذب تشکلهای تلاش کند و به خرده کاریها و پراکندگی نیروهای فعال در جنبش کارگری پایان دهد. همانطور که در آخر مقاله نیز یاد آور شده ام، سعی کرده ام در جهت معضلی که هر کدام بنوعی به آن گرفتاریم، گامی هر چند کوچک بردارم. به این امید که سرآغاز برخوردهای اندیشه بشکل اصولی و درست در سطح جنبش کارگری باشد، نه چنین برخوردهایی!

محمد احسان

۱۳۸۷/۸/۱۲

یادداشت

[۱] فرقه گرایی هم چنان خط و نشان می کشد!

[۲] همانجا

[۳] همانجا

[۴] همانجا